

یادداشت

می‌رسند نوعی «باید اجتماعی» محسوب می‌شود. دانش‌آموزان دختر با اجازه والدین خود ازدواج می‌کنند و در زمانه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم همه می‌خواهند ادامه تحصیل دهند و گرفتن مدرک دیپلم جزو حداقل‌های اجتماعی محسوب می‌شود ولی متأسفانه ما می‌بینیم که آموزش‌وپرورش به نوعی از این آزادی اجتماعی حداقل در برابر دختران دانش‌آموز متاهل جلوگیری می‌کند.

در چند دهه گذشته حتی دانشجویان دختری که ازدواج می‌کردند هم اجازه ادامه تحصیل نداشتند ولی در روند روبه رشد آزادی‌های اجتماعی این موانع برداشته شد و حالا دختران دانشجو هم تحصیل می‌کنند و هم کار می‌کنند و هم به مسائل مربوط به خانه و خانه‌داری می‌پردازند؛ البته در مقایسه ازدواج دختران دانشجو نسبت به دختران دانش‌آموز بیشتر است و این موضوع نشان می‌دهد که آموزش‌وپرورش می‌تواند به‌جای طرد کردن دختران دانش‌آموز متاهل از مدرسه، برای آنها امکاناتی را فراهم کند تا در ادامه زندگی بتوانند کانون خانواده را گرم نگه دارند.

اخراج یا طرد دختران متاهل از مدرسه می‌تواند تبعات منفی اجتماعی در بر داشته باشد. تبعاتی مانند سرخوردگی اجتماعی، مزوی شدن از جامعه، اختلالات روانی، بحران شخصیت و... این تبعات ممکن است در دخترانی که به‌نوعی توسط مدیران و مسئولان مدرسه از جامعه طرد شده‌اند به وجود بیاید و در ادامه به بحران در خانواده‌ای که به تلاقی تشکیل شده است منجر می‌شود. باید به این نکته هم اشاره کنیم که دخترانی که در سنین پایین به‌صورت خواسته یا ناخواسته به ازدواج تن داده‌اند قربانی تصمیمات نادرست می‌شوند که باید با کمک فرهنگ‌سازی و با بالا بردن اطلاعات در برخی از مناطق کشور که به صورت سنتی و با عقاید گذشته زندگی می‌کنند از بین برود ولی اکنون آموزش‌وپرورش با اخراج این دانش‌آموزان باعث می‌شوند دانش‌آموزان دختر با اخراج از مدرسه برای دومین بار قربانی سنت‌ها و تصمیمات نادرست شوند.

از این رو در شرایطی که با گستردگی شبکه‌های مجازی و دسترسی آسان دانش‌آموزان به اینترنت نمی‌توان از برخورد و مکالمه‌های مجردها و متاهلان در فضای آموزشی مدرسه جلوگیری کرد و این که بخواهیم این جلوگیری را با حذف دانش‌آموزان متاهل انجام دهیم منطقی نیست.

دخترانی که دوبار قربانی سنت‌ها می‌شوند



یاقوب موسوی
آسیب‌شناس اجتماعی

شاید در زمان گذشته اخراج دختران دانش‌آموزی که از تحصیل بازمی‌ماندند به تشخیص مسئولان وقت آموزش‌وپرورش دلیل خاصی داشت اما حالا باتوجه به اینکه با گسترش غیرقابل کنترل فناوری در رسانه‌های خبری و اجتماعی که به کمک اینترنت به وجود آمده روبه‌رو هستیم، به نظر دیگر به آن قوانین سختگیرانه گذشته احتیاجی نداریم و نمایندگان مجلس و همچنین مسئولان وزارت آموزش‌وپرورش باید هرچه زودتر به فکر جلوگیری از اخراج دختران دانش‌آموزی که از مدرسه طرد می‌شوند باشند.

پایین آمدن سن بلوغ در دانش‌آموزان باعث شده که اکنون نتوان بسیاری از موضوعاتی که در نسل‌های گذشته مانند تابو با آنها برخورد می‌شد را از نوجوانان پنهان کرد. آنها با یک کلیک در گوشی موبایل خود می‌توانند به اطلاعات زیادی در هر زمینه‌ای که سواالی برایشان پیش می‌آید دسترسی داشته باشند. باتوجه به این مسائل به این نتیجه می‌رسیم که در زمان حال نباید دختران دانش‌آموز متاهل را به بهانه اینکه ارتباط آنها با دیگر دانش‌آموزان باعث بروز آسیبی در مدرسه می‌شود از مدرسه اخراج کرد. واقعیت این است که در دوران کنونی، نوجوانان اطلاعات زیادی در مورد وضعیت و مسائل اطراف خود دارند و نمی‌شود آنها را در محیطی بدون ارتباط با دیگران نگه داشت و ایزوله کرد.

اخراج دختران متاهل از مدارس و ایجاد محدودیت در روند تحصیل‌شان به نوعی غیرحقوقی و غیرفهرنگی است به این دلیل که در برخی از نقاط کشور ایران سن ازدواج پسران و دختران بسیار پایین است. حتی ازدواج دختران و پسران در سنین پایین نوعی رسم و ازدواج دخترانی که به سن تکلیف

دانش‌آموزان متاهل نمی‌توانند در مدارس روزانه درس بخوانند

دخترانی که از تحصیل بازمی‌مانند

نتوانسته این موضوع را بررسی کند و به‌جای کمک به این دخترانی که به‌زودی قرار است مادر شوند با رفتار سلبی با آنها رفتار کرده و متأسفانه با ازدواج دختران به شکل يك آسیب اجتماعی برخورد می‌کند. درواقع ضعف آموزش‌وپرورش باعث می‌شود این دختران از چرخه اجتماعی جامعه کنار گذاشته شوند. آموزش پرورش که به نوعی متولی دانش‌آموزان و آینده‌سازان جامعه محسوب می‌شود، در این خصوص مسئول است، وظیفه دولت‌ها در قبال شهروندان این است که برای تقویت جامعه مدنی در هر شرایطی باید از آنها حمایت کند نه با رفتاری زننده با آنها موجبات طردشان را فراهم کند. در ادامه این گزارش، گفتاری از یکی از معلمان و یکی از اعضای کمیسیون زنان مجلس را می‌خوانید.

دو خلاً برای دانش‌آموزان متاهل



زهراساعی
عضو کمیسیون زنان مجلس

اخراج دختران متاهل از مدارس یکی از مشکلاتی محسوب می‌شود که از ابتدا زنان ایران با آن دست به گریبان هستند، اینکه دختران را به‌دلیل تاهل از تحصیل بازدارند يك برخورد نادرست است. وزارت آموزش‌وپرورش نباید در مقابل این شهروندان برخوردی سلبی داشته باشد و دخترانی که تازه به خانه بخت رفته‌اند را از مدرسه اخراج کند بلکه در مقابل چنین اتفاقاتی که می‌تواند مسیر زندگی هر فرد را تغییر دهد با لطافت و مهربانی برخورد کند. یکی از وظایف آموزش‌وپرورش تعلیم و تربیت نسل برای آینده است. ما چگونه می‌توانیم از مادری که از تحصیل باز مانده است انتظار تربیت صحیح و اصولی فرزندان را داشته باشیم؟ نباید با کسی که به تلاقی ازدواج کرده است برخورد تندی انجام دهیم تا او از زندگی ناامید شود و ازدواج را به چشم سدی برای آزادی‌های اجتماعی نگاه کند. در چنین شرایطی نباید حتی اجازه داد دانش‌آموز دختر يك روز از مدرسه و دوستانی که با آنها ارتباط عاطفی تنگاتنگی دارد دور شود و در ادامه راه حتی آموزش‌وپرورش واحدهای تحصیلی خاصی را به آنها ارائه دهد تا علم و نگاه آنها را به زندگی و ارتباط با همسر فرزندان که در ادامه به کانون خانواده اضافه خواهند شد گسترده‌تر کنند.

چنین رفتاری به هیچ عنوان قابل‌قبول نیست، اگر قبول کنیم که آموزش‌وپرورش وظیفه دارد نسل‌های آینده را تربیت کند باید با در آغوش گرفتن دانش‌آموزان و تربیت آنها با برخی سنت‌ها و فرهنگهایی که اکنون کارایی ندارد و باعث به وجود آمدن آسیب می‌شود را در مسیر ایرانی و اسلامی تغییر دهد. مدیران و معلمان مدارس در شرایط سنی حساسی در کنار دانش‌آموزان حضور دارند و بنابراین آنها باید تلاش کنند که با حس عاطفی بیشتر و با چاشنی محبت و دوست‌داشتن، دختران جوانی که به خانه بخت می‌روند و همچنین از مدرسه هم اخراج می‌شوند باید دو خلاً را حس کنند. یکی خلاً دوستان و هم‌کلاسی‌ها و دیگری دوری خانواده، کنترل کردن وضعیت در چنین شرایطی برای هر فردی سخت خواهد بود. این موضوع نشان می‌دهد که این دانش‌آموزان نیاز به توجه و نگهداری بسیاری دارند. حتی آموزش‌وپرورش که متولی دانش‌آموزان است باید این دانش‌آموزان را به روان‌شناسان مجرد معرفی کند تا از آسیب‌های روانی که به دختران خواهد رسید تا حدودی جلوگیری کنند و آنها را برای ادامه زندگی تشویق کنند. هنگامی می‌توانیم به خطرات و آسیب‌های این چالش بیشتر توجه کنیم که نگاهی به فرهنگ و سنت‌هایی که در برخی استان‌ها درباره ازدواج دختران در سنین پایین وجود دارد بیندازیم، در برخی استان‌ها عموماً ازدواج‌ها در سنین پایین هم برای پسران و هم دختران صورت می‌گیرد که اکثر دختران در چنین مواقعی یا از مدرسه خارج می‌شوند یا تحت فشار قرار می‌گیرند که مبدا به دوستان‌شان چیزی بگویند و ازدواج خود را مخفی کنند یا باید در فصل امتحانات و تنها برای شرکت در آزمون‌ها به مدرسه بیایند یا به مدرسه بزرگسالان منتقل شوند. متأسفانه همه این واکنش‌ها غلط است و باعث می‌شود دخترانی که به تلاقی به خانه بخت رفته‌اند از جامعه دور شوند.

در مدارس دخترانه ایران چنین مرسوم است که هرکسی از ازدواج کند باید از فضای آموزشی مدرسه دور شود تا به‌طور کامل صورت مسئله را پاک کنند. در برخی از استان‌های ایران که هنوز خانواده‌ها به صورت سنتی تشکیل می‌شوند دختران و پسران در سنین پایین ازدواج و باهم شروع به زندگی می‌کنند. دخترانی که در این سنین ازدواج می‌کنند در اکثر مواقع از مدرسه اخراج می‌شوند یا به مدارس شبانه فرستاده می‌شوند یا تنها اجازه دارند برای امتحان به مدرسه بیایند.

آنها به این دلیل از مدارس اخراج می‌شوند که آموزش‌وپرورش تاکنون



میرحشمتا

اخراج بر خورد صحیحی نیست



زهرای علی‌اکبری
معلم و مشاور امور بانوان و جوانان

متأسفانه وجود نگاه و تعصبات نابجا و همچنین برداشت سلیقه‌ای از سوی مدیران برخی مدارس سبب شده تا دختران متاهل از تحصیل در مدارس روزانه منع شوند. به سبب آداب و سنن قومی در برخی از نقاط کشور ازدواج در سنین پایین امری توجیه‌پذیر است و این خاص گیلک، بلوچ، ترک، عرب، کرد، لر، مازنی و... نیست بلکه در همین پایتخت هم در برخی از مناطق ازدواج‌های فامیلی، همچنین با رضایت اولیا و تاهل دختران در سنین تحصیل مشهود و محسوس است؛ بنابراین حضور دختران متاهل در مدارس مودی نیست که غیرقابل تصور باشد و برای مواجهه با آنان نباید از برخورد قهری استفاده کرد. برخوردهایی که در اکثر مواقع به افسردگی، گوشه‌گیری و محرومیت دختران منجر می‌شود. آنان تصمیمی برای ادامه زندگی‌شان گرفتند که باید از همه نظر مورد قبول و احترام دیگران باشد. آنچه باید نهادهای فرهنگی و آموزش‌وپرورش به آن بپردازند اخراج و به کنار راندن و دور نگه‌داشتن این افراد نیست بلکه آموزش مهارت‌ها و میابری است که چه دختران مجرد و چه متاهل با برخورداری از آنان به بسط فکری و انگیزه‌ای دست یابند و تنویر افکار جامعه در این خصوص رخ دهد. اگر در دوران تحصیل آموزش‌های لازم و خاص به دانش‌آموزان داده شود چرا باید نگران حضور متاهلان در کنار مجردان باشیم؟ چرا باید آنان را به تحصیل در مدارس بزرگسال یا به حضور صرف در دوران امتحانات حکم دهیم؟ پژوهش‌های داخلی نشان داده که اطلاعات دختران درباره ازدواج، سلامت جنسی و باروری و همچنین اعتماد به نفس‌شان، ناچیز بوده و آموزش ازدواج و مباحث جنسی هم در مدارس وجود ندارد. برای آنکه بتوانیم حضور دختران متاهل را در مدارس مدیریت کنیم و آن را بحران ندانیم، باید از کلاس اول دبستان برای آن برنامه داشته باشیم و به دانش‌آموزان آموزش دهیم. نباید نگران هم‌نشینی مجردان و متاهلان باشیم اگر آموزش‌های تبیینی و آگاهی بخش کاملی را در مدارس پایه‌ریزی نماییم، متأسفانه امروزه نه‌تنها جای چنین آموزشی در مدارس ما بسیار خالی است بلکه به‌دلیل باورها و عقاید غلط برخی، از برنامه‌ریزی و اقدام درباره آموزش مهارت‌های زندگی و مسائل زیست جنسی در مدارس غافل مانده‌ایم. نتیجه این غفلت که با اخراج تکمیل می‌شود و به ازدواج‌های نافرجام برای دختران و گرفتن حق شادی از آنان که در فصل نشاط و طرب خود باید تن به قوانین سخیف و اجباری بدهند و به جای پرواز آرزوها و آرمان‌هایشان به سکوت و خفقان و تحصیل جدا از دوستان‌شان تن دهند، منجر می‌شود. تعجب دارد که گاهی برخی متولیان نظام تعلیم و تربیت تغییر چهره متاهلان را دلیل تصمیم خودشان برای عدم حضور آنان در مدرسه می‌دانند و گویی با دنیای امروز نوجوانی و جوانی دانش‌آموزان بسیار فاصله دارند این درحالی است که امروزه دانش‌آموزان مجرد زیادی ظاهری شبیه همان دختران متاهل را دارند و می‌توانند در مدارس معمولی درس بخوانند. جای تأسف دارد که برای مواجهه با امر آینده‌سازی همچون ازدواج در مدارس حتی برخورد و رفتار مناسب با دانش‌آموزی که ازدواج کرده را هدفمند نکرده‌ایم و مسئولان مدارس در مقابل با چنین دانش‌آموزانی دقیقاً نمی‌دانند چگونه باید برخورد کنند و با تصمیمات اخراجی چند وقته به دنبال حل کردن ماجرا هستند. اینها همه نشان از ضعف قوانین کشوری و آیین‌نامه‌های اجرایی و انضباطی مدارس است.

در روزگاری که به سمت جهانی با تحولات عمیق اجتماعی و فرهنگی در حال حرکت هستیم و دختران و زنان یکی از منابع فاخر نیروی انسانی برای توسعه و پیشرفت محسوب می‌شوند، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری درباره ازدواج و حق تحصیل آنان بسیار مهم جلوه می‌کند و انتظار می‌رود وزارت آموزش‌وپرورش به جای تغییر نام و پیگیری غیرقانونی بودن آموزش زبان انگلیسی در مدارس ابتدایی و... که جز تنش و چالش جدید چیز دیگری ندارد کمی به اصلاح قوانین آیین‌نامه‌ای و ساختار خود بپردازد و با تنویر اندیشه مدیران مدارس خود و تدوین برنامه‌های آموزشی مطلوب در مدارس و دیگر نهادهای مربوط به سمت بسترسازی و فرهنگ‌سازی ازدواج صحیح و به وقت گام بردارد و برای افکارتی که حق تحصیل را از دختران متاهل می‌گیرد، سازه‌های باورمندی تعریف کند تا آنان هم در کنار سایر دانش‌آموزان گذران دوران تحصیل کنند.

دیدگاه

دانشجوی دختر ازدواج کرده و باردار شده بودند. شرایط مطلوبی برای آنها وجود نداشت و گاهی حتی مجبور بودند شوخی‌های دیگران را هم تحمل کنند.

از اینجا باید نتیجه گرفت که ازدواج باید به‌هنگام و نه زود هنگام باشد. ازدواج امری خانوادگی است و گاهی به فرصت‌های خاصی که برای افراد وجود دارد، بستگی دارد. توصیه‌هایی هم برای اینکه افراد زودتر ازدواج کنند در شرع وجود دارد. حتی گفته می‌شود آنهایی که زودتر ازدواج می‌کنند چون بدن‌های سالم‌تری دارند فرزندان سالم‌تری هم به دنیا می‌آورند و تولید نسل شکل می‌گیرد و مزیت‌های دیگری که درباره آنها صحبت شده است. اما زود ازدواج کردن و به‌هنگام ازدواج کردن دو مسئله متفاوت هستند.

معاون جوانان وزارت ورزش و جوانان سن مناسب ازدواج را ۲۲ یا ۲۴ سال می‌داند. به نظر بهتر است که ازدواج بعد از فارغ‌التحصیلی باشد حال چه در دانشگاه باشد چه در مدرسه، زیرا ازدواج در حین تحصیل باعث می‌شود که زن خانواده نتواند هر دو بار را بردارد و احتمالاً نمی‌تواند به وظایف خانه‌اش برسد. درواقع مثلاً نمی‌تواند پاسخگوی مهمان‌هایشان باشد درحالی‌که مرد از او چنین انتظاری دارد. این مسئله که از ساده‌ترین مسائل در این زمینه است می‌تواند موجب اختلاف شود. درواقع وظایف خانه‌داری با تحصیل او تداخل پیدا می‌کند و باعث اختلاف در خانه می‌شود. ازدواج به‌هنگام می‌تواند جلوی چنین اختلافاتی را بگیرد و بنابراین از دید ما فرد وقتی دانش‌آموز است نباید ازدواج کند.

محصل نباید ازدواج کند



اصغر کیهانیا
روانشناس

دخترانی که به‌دلیل ازدواج از همسالان خود در مدرسه جدا می‌شوند و به مدارس شبانه فرستاده می‌شوند به‌دلیل همین دوری از دوستان خود دچار افسردگی می‌شوند. آنها همچنین قانونی که مجبورشان می‌کند از مدرسه جدا شوند و به مدارس شبانه بروند را قانونی غلط می‌دانند. به این دلیل که فکر می‌کنند چنین کاری صحیح نیست، دچار احساس تبعیض و بی‌عدالتی هم می‌شوند. این احساس در زندگی آنها، حتی زندگی زنانشویشان تأثیرگذار است.

از طرفی دختری که ازدواج می‌کند، ممکن است باردار شود، ویراهای بارداری داشته باشد یا به دلایلی در برخی روزها نتواند به مدرسه برود. تبعات حضور چنین فردی هم می‌تواند روی بچه‌های دیگر مدرسه موثر باشد. فکر می‌کنم دلیل وضع چنین قانونی هم همین است. نهنها در مدارس بلکه ازدواج دانشجو در دانشگاه هم می‌تواند دارای تبعاتی باشد. این مسئله را در دانشکده تجربه کرده‌ام که دو

قائم‌مقام سازمان نظام پرستاری کشور: جذب دانشجوی پرستاری در بیمارستان متوقف شود | مهر

رییس اورژانس تهران: يك ششم تماس‌های درخواستی برای اورژانس در تهران مزاحم هستند | مهر

رییس پلیس راهور تهران بزرگ: طرح زوج و فرد در سال ۹۷ تغییر نمی‌کند. سهمیه طرح ترافیک پابرجاست | مهر

بدون تیتیر